

فصلنامه علمی- پژوهشی رهیافتی نو در مدیریت آموزشی
 دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت
 سال سوم - شماره 4 - زمستان 91
 صص 199-213

بررسی ملاک‌های مناسب برای گزینش دانشجو در دانشگاه‌های ایران از دیدگاه صاحب‌نظران

رضا زارعی^{1*}، عبدالمجید اورنگی²

تاریخ دریافت: 1390/10/2 تاریخ پذیرش: 1391/10/16

چکیده

این پژوهش، با هدف بررسی ملاک‌های مناسب برای گزینش دانشجو در دانشگاه‌های ایران از دیدگاه صاحب‌نظران (کارشناسان سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی وزارت آموزش و پرورش) انجام شده است. با توجه به حضور تمام کارشناسان سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی در این مطالعه، نمونه‌گیری صورت نگرفت. روش پژوهش، توصیفی و از نوع پیمایشی است. برای گردآوری داده‌های مورد نیاز از پرسشنامه‌ای که برای این منظور ساخته شد استفاده گردید. مقدار پایایی آن با استفاده از ضریب همسانی درونی برای نمرات دبیرستانی 0.806، مهارت‌های شغلی 0.761، کنکور 0.804 و فعالیت‌های اجتماعی 0.810 برآورد گردید. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از شاخص‌های آماری فراوانی، درصد، میانگین، انحراف استاندارد، ضریب همسانی درونی، ضریب رابطه کرامرز، ضریب توافق کپا و آزمون تک نمونه‌ای کولموگروو- اسمیرنو استفاده شد. نتایج حاصل از این مطالعه حاکی از آن است که: کارشناسان در استفاده از نتایج امتحانات دوره متوسطه، مهارت‌های شغلی، فعالیت‌های اجتماعی دانش‌آموزان و کنکور برای گزینش دانشجویان نظرات متفاوتی دارند. این تفاوت در سطح کمتر از یکپهزارم معنی‌دار است ($P < 0.001$). به بیان دیگر کارشناسان تمایل دارند در گزینش دانشجو بجز کنکور سایر عوامل نیز مد نظر قرار گیرند و پذیرش دانشجو منحصر به یک عامل نباشد.

واژه‌های کلیدی: ملاک گزینش دانشجو، کنکور، آزمون ورودی دانشگاه‌ها

¹- استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت، گروه علوم تربیتی، مرودشت، ایران

²- استادیار، عضو هیأت علمی گروه پژوهشی فناوری آموزشی راهبر، اداره کل آموزش و پرورش استان فارس

*- نویسنده مسئول: MARA_MAN30@yahoo.com

مقدمه

نحوه پذیرش دانشجو در دانشگاه‌ها موجب شده است تا دیدگاه‌های متفاوتی در این مورد ارائه شود. در این رابطه می‌توان به برخی از کشورهای سوسیالیستی و صنعتی، مانند ژاپن و کره-جنوبی اشاره کرد که در آن، احتیاجات اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ملاک اصلی پذیرش دانشجو در نظام آموزش عالی است. در این کشورها گزینش و انتخاب دانشجو منوط به پیش‌بینی مشاغل گوناگون در قسمت‌های گوناگون اقتصادی و نیازهای مربوط به آن، در یک فرایند برنامه‌ریزی جامع و فراگیر رشد اقتصادی و آموزشی است. بر اساس رویکرد و سیاست‌های این گروه از کشورها، محدودیت در پذیرش دانشجو مانع از عدم بهره‌گیری کامل از نیروی کار متخصصان بعنوان یک بیکاری پنهان شده و مشکل کمبود نیروی انسانی را نیز مرتفع خواهد نمود. این دیدگاه موجب گردیده تا امتحانات ورودی تنها ملاک گزینش دانشجو در این کشورها باشد (Motamedi, 2008).

در مقابل این دیدگاه گروهی از کشورها مانند انگلیس، آمریکا، فرانسه، سوئد و آلمان اظهار می‌دارند آموزش عالی می‌بایست دو هدف را دنبال نماید. یکی اینکه، افرادی را تربیت نماید که پاسخگوی نیازهای اقتصادی و اجتماعی جامعه باشند و دیگر آنکه مزایایی را فراهم نماید تا تعداد بیشتری از جوانان و بزرگسالان بتوانند آموزش سطوح بالا را دریافت نمایند. هم‌چنین این گروه می‌گویند دوران ارائه آموزش خاص به یک طبقه برگزیده منتفی شده است. لذا پذیرش دانشجو از راه امتحانات سخت ورودی را رد کرده و می‌گویند، این عمل تبعاتی از جمله گرایش بیش‌تر دانشجویان به رشته‌های هنر، حقوق، علوم اجتماعی و هنرهای زیبا بدلیل شانس بیش‌تر برای انتخاب شدن و ادامه تحصیل، گرایش کمتر به رشته‌های علوم و تکنولوژی، شاید بدلیل پایین بودن امکان قبولی، ترک تحصیل، ناامیدی، بی‌روحیه شدن، طغیان دانشجویان را در پی خواهد داشت. بنابراین لازم است گزینش دانشجو از بدو ورود به زمان تحصیل و آموزش تغییر یابد (Aghazadeh, 1998).

در کشور ایران ورود به دانشگاه‌ها تنها از راه امتحانات ورودی یا کنکور صورت می‌گیرد. در ابتدا ممکن است این ذهنیت ایجاد شود که، متولیان با اتکاء به مبانی نظری موجود این روش را اتخاذ نموده و به نوعی با توجه به مبانی اقتصادی و آموزشی جامعه، این شیوه را ملاک عمل قرار داده باشند. که البته این نگاه بدلیل آنچه مسئولین در اظهاراتشان مطرح نموده اند مانند این نکته که ما فقط مسئول گزینش دانشجو هستیم (Jafarpour, 2002). چندان با برداشت اول منطبق نمی‌باشد. که به نوبه خود جای تامل فراوان دارد.

با این حال، اتکاء صرف به کنکور به عنوان تنها عامل گزینش دانشجو به روش‌های گوناگون مورد انتقاد گرفته است. نتایج پژوهش‌هایی ارائه شده در بخش پیشینه پژوهش، ناظر بر این معنا است.

پیشینه پژوهش

در ارتباط با استفاده صرف از کنکور، اظهار می‌دارد این شیوه بدلیل؛ تاثیر بر عدم توجه دانش‌آموزان به آموزش‌های رسمی، جلوگیری از بروز خلاقیتها، نوآوریهای آموزشی و تدریس کلیشه‌ای مطالب، سمت و سو دادن دانش‌آموزان در بی‌توجهی به دنیای علمی اطراف، ایجاد اضطراب در جوانان و خانواده‌های آنان، درماندگی‌های ناشی از شکست در کنکور، اختلال در زندگی اجتماعی جوانان و خانواده‌های آنان، هدر دادن اموال عمومی و سرمایه جوانان برای راههای کاذب آموزشی نیاز به بازنگری دارد (Hajforosh, 2002).

بررسی‌های دیگر مؤید آن است که تحت تاثیر کنکور، نشاط یادگیری و خلاقیت و نوآوری در مدارس کم‌رنگ شده و اضطراب دانش‌آموزان افزایش یافته است. تفکر و اندیشه جای خود را به سرعت، آنهم از نوع کور داده است. محدودیتهای زمانی و اصول حاکم بر این نوع ارزشیابی‌ها (چند گزینه‌ای در سطح دانش)، یادگیری عمیق‌تر (تحلیل، آفرینندگی و قضاوت) را تحت الشعاع قرار داده است. برنامه‌ریزی‌های آموزشی دستخوش تغییر شده و متأثر از شیوه‌های ارزشیابی گردیده‌اند. به بیان دیگر، جهت‌گیری‌های کنکور محتوای آموزشی مدارس و نحوه تدریس را هدایت می‌نمایند (Gooya, 2002). نتایج بررسی‌ها ابعاد دیگری از این موضوع را نشان می‌دهند. بررسی وضعیت روانی دانش‌آموزانی که هنوز تجربه کنکور را نداشته‌اند حاکی از آنست که 12/5 درصد از دانش‌آموزان دبیرستانی از اختلالات روان رنجوری رنج می‌برند. این وضعیت ناظر بر پایین بودن سطح سلامت عمومی، عزت نفس و حتی وجود نشانه‌های اختلالات روانی در بین دانش‌آموزان است (Motamedi, 2003). در این رابطه بررسی مقدار افسردگی و برخی از عوامل مرتبط با آن در بین دانش‌آموزان دوره متوسطه استان همدان نشان داد؛ 42/1 درصد از آنان دچار افسردگی متوسط و 19/6 درصد مقدار افسردگی وخیم بودند (Mohagheghi, 1998).

منطبق نبودن شیوه برگزاری آزمون سراسری با شیوه برگزاری آزمون در مدارس را از نظر نوع پرسش، سنجش سطوح مورد مطالعه و درجه عینیت از را می‌توان از دیگر نقاط ضعف اساسی این نوع از آزمون‌های سراسری دانست (Sadeghi, 1999). بر همین اساس عده‌ای معتقدند، کلاسهای کنکور و تست زنی باعث کم‌عمق شدن معلومات جوانان شده و استمرار در این شیوه، جوانان را عادت داده است که به دنبال راههای زودگذری باشند که هرچه سریع‌تر، به جواب برسند. تصور رقیبان پر قدرت نیز در کنکور از دیگر عواملی است که گاهی اعتماد به نفس نوجوانان دانش-

آموز را تحت الشعاع قرار می دهد (Mardyha, 2004). از دیگر مسائل وارد بر کنکور، بی توجهی به سوابق تحصیلی دانش آموزان، منفعل بودن دانشگاه ها در پذیرش دانشجو، گسترش بی رویه کلاس های کنکور و معلمان تضمینی، روی آوردن دانش آموزان به مطالعات سطحی، ایجاد حساسیت زیاد در بین داوطلبان و پیامدهای ناشی از آن، بی علاقه‌گی در رشته‌های منتخب است (Poorkazemi, 2002).

در پژوهشی با عنوان بررسی رابطه ویژگی‌های شخصی و تحصیلی پیش از ورود به دانشگاه، بر روی یک گروه 408 نفری از دانشجویان دانشگاه شهید چمران اهواز، در سال تحصیلی 73-74 که حداقل 6 ترم تحصیلی را در دانشگاه گذرانده بودند، نشان داده شد که؛ عملکرد آموزشی دانش آموزان در دوره متوسطه می تواند بهترین پیش بین برای سنجش عملکرد دانشجویان در دانشگاه باشد (Soleymani, 1996). در این رابطه توجه زیاد دانش آموزان دبیرستانی به مهارت‌های علمی و فنی (Nazari & other, 2009). یکی از نکاتی است که اهتمام صرف به مباحث نظری را تحت الشعاع قرار می دهد.

نتایج نظرخواهی از شرکت کنندگان در کنکور نشان داده است که؛ هر ساله بر تعداد جوانان دیپلمه شرکت کننده در کنکور به امید قبولی در دانشگاه و تأمین آینده شغلی افزوده می شود. این در حالی است که تنها عده معدودی به دانشگاه راه می یابند و اکثریت قریب به اتفاق از وضعیتی که برای آنان ایجاد می شود نا امید و آزرده می شوند (Center for student opinion survey of Iran, 2002). در مطالعه‌ای با عنوان بررسی مشکلات انتخاب رشته داوطلبان ورود به دانشگاه- های دولتی نشان داده شد که یکی مشکلات اساسی داوطلبان اضطراب است (Nasr & other, 2002).

از دیگر پیامدهای کنکور می توان به نتایج پژوهش (Telgini & other, 2002) اشاره کرد که در پژوهشی با عنوان بررسی مشکلات کنکور از دید دانش آموزان نشان دادند؛ بیش از 41 درصد از این دانش آموزان از معلم خصوصی، کلاس خصوصی گروهی و یا آموزشگاه آزاد استفاده می کنند. 63 درصد از دانش آموزان کمتر از 8 ساعت در روز استراحت می کنند و 60 درصد حدود 4 ساعت در روز و 20 درصد بیش از 6 ساعت در روز برای کنکور درس می خوانند.

بررسی های بعمل آمده بر روی دانشگاه های کشورهای گوناگون، موید آن است که آنها از شیوه- های گوناگونی برای پذیرش دانشجو استفاده می کنند. بطور مثال در کشورهایی چون ارمنستان، ژاپن و پاکستان به عملکرد دانش آموزان در دوره دبیرستان بیشترین اهمیت داده می شود. در برخی دیگر از کشورها مانند اتریش، دانمارک، کرواسی و رومانی دانش آموزان می بایست علاوه بر امتحانات پایان دوره دبیرستان در امتحان ورودی دانشگاه ها نیز شرکت نمایند. در بعضی از کشورها

مانند بلژیک، دانشگاه‌ها محدودیتی را برای ورود دانش‌آموزان به آموزش عالی لحاظ نمی‌شود (Rajaei, Tabesh & Asaraee, 2002).

علیرغم ظرفیت بسیار پایین دانشگاه‌ها در پذیرش دانشجو، شانس کم دانش‌آموزان برای حضور در مراکز آموزش عالی (از هر 15 نفر، 2 نفر)، تبعات و پیامدهایی که بر اساس نتایج پژوهش‌ها به آنها اشاره شد، مشاهده می‌شود که حساسیتی در این رابطه برانگیخته نشده و همچنان عوامل دست‌اندرکار در جامعه با همه توان، خواسته یا ناخواسته مشوق نوجوانان و جوانان برای وارد شدن در این عرصه‌اند. کوشش‌های مستمر و شبانه‌روزی مراکز آموزشی خصوصی و دولتی از راه برگزاری کلاس‌های آموزشی، آزمون‌های مرحله‌ای و .. - رسانه‌های ارتباط جمعی، از جمله صدا و سیما و روزنامه‌ها - مراکز، دکه‌های روزنامه‌فروشی، دوره‌گردها و به‌گونه کلی توزیع‌کننده‌گان خبرهای مرتبط با کنکور، سازمان سنجش و آموزش کشور به عنوان متولی کنکور و ... حاکی از یک عزم کور و غیرواقع‌بینانه‌ای است، که در آن جز به تحقق هدف‌های آنی توجهی نمی‌شود. شرایط فردی دانش‌آموزان مانند استعداد، علاقه، توانمندی‌های مهارتی، اجتماعی، نیازهای اجتماعی (Keyvanfar, 2002)، در این هیاهو محو گشته‌اند.

نتایج پژوهش‌های انجام شده در خصوص تبعات حاصل از اجرای صرف کنکور مبنی بر تحت‌تاثیر قرار دادن مهمترین اهداف ویژه دوره متوسطه، نگرانی‌های والدین و اولیاء مدارس، یاس و ناامیدی‌های حاصل از شکست (Hajforosh, 2002). افسردگی‌ها، درونگرایی‌ها و انزواهای حاصل از این شکست‌ها و به تبع آن حقارت‌ها (Kardan, 2002). شاید ناشی از این مسئله باشد که سازمان سنجش علیرغم محدودیت‌هایی که با آن در پذیرش دانشجو مواجه است، تنها ملاک خود برای ورود به دانشگاه معطوف به کنکور، در یک مقطع زمانی با تاکید بر حیطة شناختی دانش‌آموزان نموده باشد. به بیان دیگر ضمن بی‌توجهی به سایر توانمندی‌های دانش‌آموزان اعم از عاطفی و مهارتی، ماحصل چهار سال تلاش و کوشش بی‌وقفه آنان را در دوره دبیرستان، در یک فضای پر تنش و کوتاه از نظر زمانی، با چند پرسش از نوع چندگزینه‌ای، فارغ از هر گونه تأملی در خصوص سنخیت داشتن آزمونی که برگزار می‌نماید با شیوه آزمون در آموزش و پرورش و .. به چالش فرا می‌خواند.

بنابراین، این پرسش مطرح است که تا چه اندازه از نظر کارشناسان می‌توان سایر منابع و امکانات را در انطباق با وضعیت فعلی نظام تعلیم و تربیت رسمی کشور در سطح آموزش و پرورش، برای گزینش دانشجو برای دانشگاه‌ها مورد استفاده قرار داد؟ به بیان دیگر، وضعیت هر یک از عوامل مورد مطالعه در این پژوهش برای گزینش دانشجو در دانشگاه‌ها از نظر کارشناسان چگونه است؟ تا چه اندازه می‌توان از این عوامل شامل؛ نمرات امتحانات نهایی پایه‌های اول تا چهارم دوره

متوسطه، مهارت‌های شغلی درجه یک تا چهار دانش‌آموزان دوره متوسطه، کنکور سراسری و فعالیتهای اجتماعی دانش‌آموزان برای گزینش دانشجو در دانشگاهها استفاده کرد؟

روش پژوهش

این مقاله مبتنی بر پژوهشی توصیفی و از نوع پیمایشی است. هدف از انجام این پژوهش آگاهی از نظرات صاحب نظران که در این مطالعه کارشناسان و مؤلفان کتب درسی سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی وزارت آموزش و پرورش بودند. در خصوص استفاده از عوامل، نمرات امتحانات نهایی پایه های اول تا چهارم دوره متوسطه- امتیازات حاصل از مهارت‌های شغلی درجه یک تا چهار دانش‌آموزان دوره متوسطه - نتایج ارزیابی حاصل از فعالیتهای اجتماعی دانش‌آموزان و نمرات حاصل از کنکور سراسری، برای گزینش دانشجو در دانشگاه‌های کشور بود. جامعه آماری مورد بررسی در این پژوهش تمامی کارشناسان سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی بودند که با توجه به تعداد محدود آنان (تعداد 120 نفر)، همگی در این پژوهش مورد مطالعه قرار گرفتند¹. بنابراین، نمونه گیری صورت نگرفت.

برای گردآوری داده‌های مورد نیاز در این پژوهش از پرسشنامه استفاده شد. پرسشنامه ذیل چهار عامل جداگانه شامل؛ امتحانات دبیرستانی (مشمول بر پایه‌های اول تا سوم دبیرستان و پیش-دانشگاهی)، مهارت‌ها (مشمول بر مهارت‌های درجه یک تا چهار)، کنکور و فعالیتهای اجتماعی تهیه و بصورت بسته پاسخ تدوین گردید. برای تأمین روایی محتوایی² این پرسشنامه، ضمن مطالعه منابع مرتبط با موضوع، از نظرات متخصصین و برخی از کارشناسان استفاده شد. برای برآورد پایایی پرسشنامه و هر یک از اجزاء آن از ضریب همسانی درونی³ استفاده شد. داده‌های مربوط به هر یک از اجزاء در جدول شماره (1) ارائه شده است.

برای تجزیه و تحلیل داده‌های حاصل از این پژوهش، از شاخص‌های آماری فراوانی، درصد، میانگین، انحراف استاندارد، ضریب همسانی درونی، کرامرز، کپا و آزمون تک نمونه‌ای کولموگروو-اسمیرنو استفاده شد.

¹- اگر چه در عمل از یکصد و بیست پرسشنامه ارسالی، تعداد 106 پرسشنامه عودت داده شد.

² - Content Validity

³ - Contingency Coefficient

جدول شماره (1): ضرایب پایایی به تفکیک عوامل مورد مطالعه

ضریب همسانی درونی		عوامل	ضریب همسانی درونی		عوامل	ضریب همسانی درونی		عوامل
مقدار	سطح معناداری		مقدار	سطح معناداری		مقدار	سطح معناداری	
0.804	0.000	کنکور	0.777	0.000	مهارت های شغلی درجه یک	0.798	0.00	نمره نهایی در پایه اول
0.810	0.000	فعالیت های اجتماعی	0.787	0.000	دو	0.796	0.00	پایه دوم
---	---	---	0.759	0.000	سه	0.762	0.000	پایه سوم
---	---	---	0.751	0.000	چهار	0.742	0.000	پیش دانشگاهی
---	---	---	0.761	0.000	مجموع	0.806	0.000	مجموع

جدول فوق داده‌های مربوط به ضرایب همسانی درونی عوامل مورد مطالعه در این پژوهش را به عنوان شاخصی از ضریب پایایی نشان می‌دهد. بر اساس داده‌های ارائه شده نمره نهایی پایه‌های اول دبیرستان تا سطح پیش دانشگاهی از پایایی نسبتاً مطلوبی برخوردار بوده و تمامی آنها در سطح $(P < 0.000)$ معنادار می‌باشند. اگر چه بیش‌ترین مقدار همسانی درونی مربوط به نمره پایه اول با 0.798 و کمترین آن مربوط به پیش دانشگاهی با 0.806 می‌باشد.

تقریباً همه عوامل مهارت شغلی درجه یک تا چهار نیز از پایایی نسبتاً مناسبی برخوردارند. اگر چه بیش‌ترین ضریب پایایی به مهارت درجه دو و کمترین آن به مهارت درجه چهار اختصاص یافته است. با این حال تمامی موارد در سطح کمتر از $(P < 0.000)$ معنادار می‌باشند. دو عامل کنکور و فعالیت‌های اجتماعی نیز به ترتیب با همسانی درونی 0.810 و 0.804 از پایایی نسبتاً مناسبی برخوردارند. نتایج حاصل از این دو پایایی در سطح کمتر از $(P < 0.000)$ معنادار می‌باشند.

یافته‌ها

مهمترین نتایج بدست آمده از این مطالعه عبارتند از :

جدول شماره (2): وضعیت عوامل مورد مطالعه برای گزینش دانشجو

عوامل مورد مطالعه	شاخص های آماری	میانگین	انحراف استاندارد ¹	حداکثر تفاوت		آزمون تک نمونه‌ای کولموگوروف- اسمیرنوف ²	سطح معناداری ³
				مثبت	منفی		
امتحانات اول	1.6981	.74540	.093	-.183	1.884	.002	
دبیرستانی دوم	1.5849	.76679	.077	-.205	2.110	.000	
در پایه سوم	1.4906	.77146	.188	-.225	2.319	.000	
پیش دانشگاهی	1.4340	.76866	.156	-.238	2.454	.000	
مهارت‌های یک	1.7736	.72089	.105	-.170	1.747	.004	
درجه دو	1.7358	.73422	.099	-.176	1.815	.003	

¹ - S.D.

² - One-Sample Kolmogorov-Smirnov Test

³ - Asymp. Sig. (2-tailed)

سه	1.8491	.68720	.117	-.157	1.620	.010
چهار	1.8868	.66649	.123	-.154	1.591	.013
نتیجه کنکور	1.6415	.75830	.085	-.194	1.994	.001
فعالیت های اجتماعی	1.6604	.75450	.087	-.190	1.957	.001

N = 106

جدول فوق نتایج حاصل از تحلیل داده های هر یک از عوامل مورد مطالعه را به گونه مستقل نشان می دهد. همانگونه که مشاهده می شود بالاترین میانگین مربوط به عوامل مهارت های درجه چهار با 1.8868 و پایین ترین آن به عامل امتحانات دبیرستانی در سطح پیش دانشگاهی با 1.4340 است. از طرف دیگر بیشترین پراکندگی مربوط به عامل امتحانات دبیرستانی در پایه سوم با 77146 می باشد. با توجه به آنچه در ستون سطح معناداری نشان داده شده است، همه عوامل مورد مطالعه معنادار هستند. با این حال کمترین سطح معناداری در سطح کمتر از ($P < 0.01$) مربوط به عوامل مهارت های درجه چهار و سه می باشد و بیشترین آن به عوامل امتحانات دبیرستانی پیش دانشگاهی، پایه سوم و دوم در سطح کمتر از ($P < 0.001$) اختصاص یافته است. بنابراین صرف نظر از تفاوت های نسبتاً جزئی، بین تمامی داده های مورد مشاهده و داده های مورد انتظار تفاوت معناداری در سطح یک صدم تا یک هزارم وجود دارد.

جدول شماره (3): داده های توصیفی حاصل از تجزیه امتیازهای داده شده به نمرات نهایی پایه

اول تا پیش دانشگاهی جهت گزینش دانشجو

عوامل مورد مطالعه نمره نهایی در	شاخص	موافقین	مخالفین	بدون پاسخ	ضریب کرامرز ¹		ضریب توافق کپا ²	
					مقدار	سطح معناداری	مقدار	سطح معناداری
پایه اول	فراوانی	50	38	18	0.936	0.000	0.998	0.000
	درصد	47/2	35/84	16/98				
پایه دوم	فراوانی	62	26	18	0.931	0.000	0.904	0.000
	درصد	58/5	24/105	16/98				
پایه سوم	فراوانی	72	16	18	0.833	0.000	0.734	0.000
	درصد	67/91	15/09	16/98				
پیش دانشگاهی	فراوانی	78	10	18	0.782	0.000	0.625	0.000
	درصد	73/6	9/43	16/98				
مجموع	میانگین	65.5	22.5	18	0.962	0.000	--	--
	درصد	61/79	21/22	17	--	--	--	--

¹ - Cramer's V

² - Measure of Agreement Kappa

ضریب کرامرز، مقدار رابطه بین نظرات موافقین و مخالفین را مورد ارزیابی قرار داده است. همانگونه که مشاهده می‌شود در لحاظ نمودن نمره پایه اول دبیرستان این رابطه با 0.936 هزارم در بالاترین سطح و دوره پیش دانشگاهی با 0.782 هزارم در پایین‌ترین سطح قرار دارد. اگر چه همه موارد در سطح کمتر از ($P < 0.000$) معنادار می‌باشند.

ضریب توافق کپا، مقدار توافق دو گروه کارشناسان موافق و مخالف را نسبت به لحاظ نمودن هر یک از شاخص‌های نمره پایه‌های تحصیلی به عنوان ملاک گزینش دانشجو نشان می‌دهد. این توافق برای نمره پایه اول دبیرستان تا پیش‌دانشگاهی به ترتیب با 0.998، 0.904، 0.734 و 0.625 هزارم از بالاترین تا پایین‌ترین سطح قرار دارد. این نتایج در همه موارد در سطح کمتر از ($P < 0.000$) معنادار می‌باشند. با توجه به ضرایب بدست آمده، بیش‌ترین اختلاف بین موافقین و مخالفین به ترتیب در لحاظ نمودن نمرات پیش‌دانشگاهی تا نمرات پایه اول دبیرستان به عنوان یکی از ملاک‌های گزینش دانشجو مشاهده می‌شود. بنابراین نمرات پیش‌دانشگاهی با 73.6 درصد موافقت مقبول‌ترین گزینه و نمرات پایه اول دبیرستان با 47.2 درصد موافقت ضعیف‌ترین گزینه جهت گزینش دانشجو به‌وسله کارشناسان انتخاب شده‌اند.

جدول شماره (4): داده‌های توصیفی حاصل از تجزیه امتیازهای داده شده به مهارت‌های شغلی

درجه یک تا درجه چهار جهت گزینش دانشجو

عوامل مورد مطالعه مهارت‌های شغلی درجه	شاخص	موافقین	مخالفین	بدون پاسخ	ضریب کرامرز		ضریب توافق کپا
					مقدار	سطح معناداری	
یک	فراوانی	42	46	18	0.872	0.000	0.791
	درصد	39/62	43/39	16/98			
دو	فراوانی	46	42	18	0.902	0.000	0.848
	درصد	43/40	39/62	16/98			
سه	فراوانی	34	54	18	0.825	0.000	0.680
	درصد	32/07	50/94	16/98			
چهار	فراوانی	30	58	18	0.805	0.000	0.626
	درصد	28/30	54/71	16/98			
مجموع	میانگین	38	50	18	0.845	0.000	--
		35/19	46/30	16/67			

جدول فوق به تبیین و اهمیت مهارت‌های شغلی با درجه‌های گوناگون جهت استفاده در گزینش دانشجو پرداخته است.

ضریب کرامرز مقدار رابطه بین نظرات موافقین و مخالفین را در مورد هر یک از مهارت های شغلی درجه یک تا چهار نشان می دهد. با توجه به داده های ارائه شده بیشترین مقدار رابطه با 902. به مهارت شغلی درجه دو اختصاص یافته است. پس از آن مهارت شغلی درجه یک با 872، مهارت شغلی درجه سه با 825، و مهارت شغلی درجه چهار با 805. به ترتیب بیشترین تا کمترین مقدار رابطه بین نظرات موافق و مخالف را جهت گزینش دانشجو به خود معطوف داشته اند. اگر چه همه موارد در سطح کمتر از ($P < 0.000$) معنادار می باشند.

ضریب توافق کپا، مقدار توافق دو گروه کارشناسان موافق و مخالف را نسبت به لحاظ نمودن هر یک از عوامل مهارت درجه یک تا چهار را به عنوان ملاک گزینش دانشجو نشان می دهد. این توافق از بالاترین مهارت های شغلی تا پایین ترین آن به ترتیب مقدار توافق اختصاص دارد به مهارت شغلی درجه دو، یک، سه و چهار با ضرایب 0.848، 0.791، 0.680 و 0.626 هزارم، که همگی در سطح کمتر از ($P < 0.000$) معنادار می باشند.

جدول شماره (5): داده های توصیفی حاصل از تجزیه امتیازهای داده شده به نتیجه کنکور

سراسری و فعالیتهای اجتماعی دانش آموزان جهت گزینش دانشجو

عوامل مورد مطالعه	شاخص	موافقین			مخالفین			بدون پاسخ	
		ضریب کرامرز	ضریب توافق کپا	سطح معناداری	مقدار	سطح معناداری	مقدار	ضریب کرامرز	ضریب توافق کپا
کنکور	فراوانی	56	32	18	0.956	0.000	0.939	0.000	
	درصد	52/83	30/18	16/98					
فعالیت های اجتماعی	فراوانی	54	34	18	0.977	0.000	0.969	0.000	
	درصد	50/94	32/07	16/98					

داده های ارائه شده در جدول فوق به توصیف داده های حاصل از امتیازهای در نظر گرفته شده برای هر یک از نتایج آزمونهای سراسری دانشگاهها (کنکور) و فعالیتهای اجتماعی دانش آموزان در گزینش دانشجو می پردازد. همانگونه که مشاهده می شود؛ بین نظرات موافقین و مخالفین در خصوص استفاده از هر یک از دو عامل کنکور و فعالیتهای اجتماعی بر اساس ضریب کرامرز، بیشترین مقدار رابطه به فعالیتهای اجتماعی با 0.977 و کمترین آن به کنکور با 0.956 هزارم قرار دارد. هر دو مورد رابطه بدست آمده در سطح کمتر از ($P < 0.000$) معنادار می باشند.

ضریب توافق کپا، مقدار توافق دو گروه کارشناسان موافق و مخالف را نسبت به لحاظ نمودن هر یک از عوامل کنکور و فعالیتهای اجتماعی را به عنوان ملاک گزینش دانشجو نشان می دهد. بیشترین مقدار توافق با 0.969 هزارم به فعالیتهای اجتماعی و کمترین آن با 0.939 هزارم به کنکور تخصیص یافته است. هر دو عامل در سطح کمتر از ($P < 0.000$) معنادار می باشند.

نتیجه گیری

بر اساس یافته‌های حاصل از این پژوهش؛ بین نظرات ارائه شده در مورد عوامل مورد مطالعه (امتحانات پایه اول تا پیش‌دانشگاهی، مهارت درجه یک تا درجه چهار، نتیجه کنکور و فعالیت‌های اجتماعی¹) با نتایج مورد انتظار، علیرغم تفاوت‌های جزئی موجود بین داده‌های مورد مشاهده و مورد انتظار، تفاوت معنی داری در سطح کمتر از ($P < 0/001$) وجود دارد. این به آن معنا است که از نظر کارشناسان، سهم هر یک از این عوامل در گزینش دانشجو، مساوی نمی باشد. در این رابطه بیش‌ترین تفاوت‌ها به عوامل امتحانات دبیرستانی در پیش‌دانشگاهی، پایه سوم و دوم و کمترین تفاوت‌ها به مهارت‌های درجه چهار، سه، یک و دو اختصاص یافته است. بنابراین اینگونه استنباط می‌شود که کارشناسان تمایل دارند، در گزینش دانشجو عوامل مطرح شده مدنظر قرار گیرند. بدین معنی که پذیرش دانشجو صرفاً منحصر به کنکور نباشد. در تایید این نتیجه می‌توان به نتایج سایر جداول ارائه شده اشاره کرد. احتمالاً رسیدن به این نتیجه از سوی کارشناسان می‌تواند به نوعی ناشی از پیامدها و ضعف‌هایی باشد که کنکور بعنوان تنها عامل گزینش ممکن است با خود به‌مراه داشته باشد. در تبیین دقیق‌تر آنچه بعنوان ماحصل این پژوهش بیان شد، می‌توان به ورود نمرات دوران دبیرستان و پیش‌دانشگاهی در مجموعه معیارهای سنجش به عنوان یکی از عوامل تأثیر گذار برای ورود به دانشگاه اشاره کرد. مقدار توافق دو گروه کارشناسان موافق و مخالف نسبت به لحاظ نمودن هر یک از شاخص‌های نمره پایه‌های تحصیلی به عنوان ملاک گزینش دانشجو دال بر این قضیه است. این توافق برای نمره پایه اول دبیرستان تا پیش‌دانشگاهی به ترتیب با 0.998، 0.904، 0.734 و 0.625 هزارم از بالاترین تا پایین‌ترین سطح قرار دارد. این نتایج در همه موارد در سطح کمتر از ($P < 0.000$) معنادار می‌باشند. با توجه به ضرایب بدست آمده، بیش‌ترین اختلاف بین موافقین و مخالفین به ترتیب در لحاظ نمودن نمرات پیش‌دانشگاهی تا نمرات پایه اول دبیرستان به عنوان یکی از ملاک‌های گزینش دانشجو مشاهده می‌شود. بنابراین نمرات پیش-دانشگاهی با 73.6 درصد موافقت مقبول‌ترین گزینه و نمرات پایه اول دبیرستان با 47.2 درصد موافقت ضعیف‌ترین گزینه جهت گزینش دانشجو به وسیله کارشناسان انتخاب شده اند.

با لحاظ نمودن نمرات دوره دبیرستان، طبعاً امتحانات تشریحی و بلکه برآورد مهارت‌های عملی کارگاهی و آزمایشگاهی هم وارد ارزیابی می‌شود و در نتیجه تست از حاکمیت بلامنازع خود خارج

3- منظور از فعالیت‌های اجتماعی در این پژوهش مجموعه اقداماتی است که دانش‌آموزان در طول دوران تحصیل خود در دوره متوسطه با عنوان؛ بسیج دانش‌آموزی، شوراهای دانش‌آموزی، انجمن‌های علمی و سایر تشکلهای قانونی دانش‌آموزی انجام می‌دهند.

می شود. این تغییرات طبعاً در کاهش اضطراب زدایی و تعدیل بخشی از مشکلات روانی کنکور می تواند موثر واقع شود. جالب توجه است که در بسیاری از کشورهای جهان به نقل از (Stutman, 1989). میانگین نمرات دبیرستانی تنها معیار گزینش دانشجو است و این بهترین دلیل تجربی بر کارآمدی این روش است. بطور مثال، ورود دانشجویان به نهادهای آموزش عالی آمریکا از دو نظام "آزاد" و "گزینشی" پیروی می کند. در نهادهای آزاد تنها شرط پذیرش، اتمام تحصیلات دبیرستانی است، البته در صورتی که تعداد داوطلبان بیش از ظرفیت نباشد. نهادهایی هم که سیاست پذیرش گزینشی دارند ممکن است از داوطلبان خود نمره پیشرفت تحصیلی بالاتر از میانگین در دبیرستان را بخواهند (Naelli, 2007). اگر دانشگاه های این کشور را از نظر سلسله مراتب اعتبار علمی در چهار گروه قرار دهیم، گروه اول ده درصد بالای معدل دیپلم، گروه دوم بیست درصد پس از آن، گروه سوم کسانی که معدل دیپلم متوسط آنها بین B و C باشد و گروه چهارم دارندگان معدل کمتر از C را جذب می کنند (Karimpour, 1996). در کشور آلمان دانش آموزان دارای نمرات خیلی خوب و خوب در امتحان دبیرستان، مستقیماً در دانشگاه پذیرفته می شوند، اما کسانی که نمرات پایین تر از حد مطلوب داشته باشند باید در آزمون مخصوص پذیرش، نمره بالایی کسب و دوره انتظار را سپری کنند و کاری مورد قبول در زمینه رشته تحصیلی انتخابی خود ارائه دهند. در کشور انگلستان، دانشگاه های کمبریج، دورهام، بریستول، بات و اکسفورد کسانی را پذیرش می نمایند که بالاترین نمرات را در دروس سطح پیشرفته داشته باشند (Ibid).

بنابر یافته های ارائه شده در اهمیت و لحاظ نمودن مهارت های شغلی با درجه های گوناگون جهت گزینش دانشجو، نیز بین دو گروه کارشناسان موافق و مخالف توافق نسبتاً بالایی وجود دارد. این توافق از بالاترین مهارت های شغلی تا پایین ترین آن به ترتیب مقدار توافق، اختصاص دارد به مهارت شغلی درجه دو، یک، سه و چهار با ضرایب 0.848، 0.791، 0.680 و 0.626 هزارم، که همگی در سطح کمتر از ($P < 0.000$) معنادار می باشند. در تبیین دقیق تر این موضوع مهارت شغلی درجه 2 با 43/4 درصد موافق، حائز بیشترین امتیاز جهت استفاده از آن در گزینش دانشجو می باشد. بعد از آن به ترتیب مهارت شغلی درجه یک با 39/6 درصد، و مهارت شغلی درجه 3 با 32/1 درصد و مهارت شغلی درجه 4 با 28/3 درصد موافق، در رده های بعدی قرار دارند.

در ارتباط با نتیجه کنکور سراسری و فعالیتهای اجتماعی دانش آموزان جهت گزینش دانشجو نتایج ضمن نشان دادن توافق دو گروه کارشناسان موافق و مخالف در لحاظ نمودن هر دو عامل برای این منظور در سطح کمتر از ($P < 0.000$) بیانگر آنست که کنکور با 52/83 درصد از حمایت

بیش‌تری از سوی کارشناسان نسبت به فعالیت‌های اجتماعی با 50/94 درصد برخوردار است. اگر چه تفاوت معناداری بین آنها وجود ندارد.

در جمع‌بندی از یافته‌های حاصل از این مطالعه می‌توان اینگونه اظهار نظر نمود که، لازم است علاوه بر استفاده از کنکور برای پذیرش دانشجو، سایر شیوه‌ها نیز، مانند آنچه در این گزارش به آنها پرداخته شد، از جمله؛ نمرات دانش‌آموزان، مهارت‌های کسب شده به‌وسیله آنان و فعالیت‌های اجتماعی که در طول دوران تحصیل از خود بروز می‌دهند مد نظر قرار گیرد. یقیناً این نگاه به نوعی توجه به قابلیت‌هایی است که یک دانش‌آموز متناسب با استعدادهای خود که بعضاً قابل شناسایی نیستند، از آن به‌رمنند می‌باشد. توجه به توانمندیها و ابعاد گوناگون دانش‌آموز برای حضور وی در یک عرصه علمی در سطحی بالاتر در واقع توجه به تفاوت‌های فردی است که شخص ممکن است به فراخور خود از آن برخوردار باشد. ضمن آنکه احتمالاً توجه به سایر شاخص‌های مورد مطالعه در این پژوهش در کنار کنکور می‌تواند عامل مهمی در کاهش اضطراب‌ها، نگرانی‌ها و هدایت دانش‌آموزان به یک واقع بینی نسبت به توانمندی‌هایشان تلقی و به نوعی رعایت عدالت در گزینش را فراهم نماید (Owringi & Hajforosh, 2008).

یافته‌های این پژوهش بیش از همه می‌تواند مورد استفاده مدیران سازمان سنجش و تصمیم‌گیرندگان در مورد تغییر روش‌های گزینش دانشجو برای دانشگاه‌های کشور قرار گیرد. بر این اساس پیشنهاد می‌شود در گزینش دانشجو برای ادامه تحصیل در دانشگاه‌ها موارد زیر مد نظر قرار گیرد:

- نمرات نهایی دانش‌آموزان دوره متوسطه به ترتیب از دوره پیش‌دانشگاهی تا پایه اول دبیرستان بصورت فضلی (بیش‌ترین امتیاز به نمرات نهایی دوره پیش‌دانشگاهی و کمترین آن به نمرات پایه اول دبیرستان).

- نتایج مهارت‌های عملی کارگاهی و آزمایشگاهی دانش‌آموزان.
- ایجاد یک دوره انتظار برای دانش‌آموزانی که در کنکور قبول نشده‌اند (یا امتیاز لازم را کسب ننموده‌اند) و هدایت آنها به انجام یک کار علمی قابل قبول در زمینه رشته تحصیلی انتخابی خود و دادن امتیاز به آن برای گزینش در دانشگاه.

- مهارت یا مهارت‌های شغلی درجه یک تا چهار دانش‌آموزان (منظور از مهارت‌های شغلی توانمندی‌هایی عملیاتی است که دانش‌آموزان در طول دوران تحصیل چهار ساله خود در دوره متوسطه فرا می‌گیرند. این مهارت‌ها می‌توانند از نظر سطح، به درجه‌های گوناگونی تقسیم شوند که در اینجا چهار درجه مد نظر قرار گرفته است. در ضمن هر یک از این مهارت‌های شغلی می‌بایست به تایید مراکز سنجش مهارت‌های شغلی صلاحیتدار نیز رسیده باشد).

- فعالیت های اجتماعی دانش آموزان (منظور مجموعه اقداماتی است که دانش آموزان در طول دوران تحصیل خود در دوره متوسطه با عنوان؛ بسیج دانش آموزی، شوراهای دانش آموزی، انجمن های علمی و سایر تشکل های قانونی دانش آموزی انجام می دهند).

References

- Aghazadeh, A. (1998). *Governing Principles on the selection of successful students in some countries of the world. appropriate methods of measuring entrance exams*. Esfahan: country Educational assessment Organization.(in persian).
- Gooya, Z. (2002). Training injuries resulting from entrance examination. *Seminar on methods and issues of university entrance exams*. Esfahan. (in persian).
- Hajforosh, A. (2002). Damage secondary entrance on the course objectives and purpose to resolve Them. *Seminar Papers series of methods and issues in university entrance exams*. Isfahan. (in persian).
- Iran, C. f. (2002). *Entrance social issues of the volunteers looked* (Vol. 147). Tehran. (in persian).
- Jafarpour, A. (2002). Some English language entrance exam deficiencies and recommendations for removing them. *Seminar Papers series of methods and issues university entrance exams*. Isfahan. (in persian).
- Kardan, A. M. (2002). Basis for student selecting. *Seminar Papers series of methods and issues in university entrance exams*. Isfahan. (in persian).
- Karimpour, H. (1996). *Higher education in different countries*. Tehran: Publications Department Ministry of Science student. (in persian).
- Keyvanfar, A. (2002). *Proceedings of seminar on methods and issues of university entrance examinations, pathology education system and lack of compliance with national quality test questions*. Isfahan : Isfahan University of Industry printers. (in persian).
- Mardyha, M. (2004). University entrance exam pathology. *Journal of Research and Planning in Higher Education*, 31 and 32. (in persian).
- Mohagheghi, H. (1998). *Assessment of depression and some related factors among high school students of Hamedan*. Hamedan: Council of Education Research Department of Hamedan. (in persian).
- Motamedi, A. (2008). *Relationship of between intelligence, religious attitudes and life events in the city university with successful aging*. Tehran: Tarbiat Modarres University. (in persian).
- Motamedi, A. (2003). *Variation superstition and its relationship with personality traits related to high school students*. Shahrekord: Shahrekord university. (in persian).

Nasr, & others, A. (2002). Investigation of Field selected problems of candidates to enter public universities. *Seminar Papers series of methods and issues in university entrance exams*. Isfahan. (in persian).

Nazari, E., Mohammadi, F., & Hatami, H. (2009). Stratgy providing for academic conducting and vocational school students Sirjan period. *Quarterly of new approach in educational administration* , 5. (in persian).

Owraangi, A., & Hajforosh, A. (2008). *Alternative factors in selecting students view of experts from universities in the country*. Research Institute of Curriculum and Educational Innovation. tehran: Organization of Research and Planning Ministry of Education. (in persian).

Poorkazemi, M. H. (2002). Comparative study of Student acceptance in China and Japan and new plans entrance exam. *Seminar Papers series of methods and issues in university entrance exams*. Isfahan. (in persian).

Rajaei, ali, T., & yahya & Asaraee, A. (2002). Recommendations for problems solving in entrance exam - university entrance exams. *Seminar Papers series of methods and issues in university entrance exams*. Isfahan. (in persian).

Sadeghi, N. (1999). *Factors influencing success and failure of applicants above average in entrance examination*. Tehran: MA thesis, Al-Zahra University, Social and Economic Sciences. (in persian).

Soleymani, A. (1996). *Relationship between personal and academic characteristics before entering the university entrance exam scores (entrance examination) and personal characteristics during the study with*. Ahvaz: University of Chamran Shahid. (in persian).

Stutman. (1999). *United States of America*. (Naeli, & M. Ali, Trans.) Tehran: Encyclopedia of Higher Education. Tehran; Publications and Research Institute for Higher Education Planning.

Telgini, M., Hani Tabaei Zavare, f., Ansarepour, m., & Hatamzade, I. &. (2002). Entrance of the problems of students view. *Seminar Papers series of methods and issues in university entrance exams*. Isfahan. (in persian).